

ریشه‌یابی علل و پیش‌بینی روند مهاجرت روستایی در ایران

● **علل برانگیزنده مهاجرت**
از روستا به شهر، از لحاظ ماهیت می‌تواند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، فرهنگی، و یا آمیزه‌ئی از همه این علتها باشد اما این علل، فقط شرط لازم مهاجرت هستند.

● **نه فقط دافعه‌های**
روستایی، بلکه ادراک تنگناهای حیاتی در محیط‌های روستایی و نه فقط جاذبه‌های شهری، بلکه شناخت فرصت‌های زیستی بهتر در محیط شهری است که سرآغاز پویش اجتماعی مهاجرت روستایی به شمار می‌آید.

د - ریشه‌یابی علل مهاجرت‌های روستایی

مهاجرت را به طور کلی برآیند دو دسته نیروی رانش (دافعه) یا کشش (جاذبه) می‌دانند. از دیدگاه نظری، در توجیه مهاجرت‌های از روستا به شهر، گروهی برآنند که علل اصلی این نوع مهاجرت‌ها، عملکرد نیروهای کشش است. از این دیدگاه، عوامل جاذبه شهری که به طور کلی مشتمل است بر: «شانس بیشتر در پیدا کردن شغل مناسب در شهرها - وجود درآمد‌های بالا - دسترسی به امکانات شهری از قبیل مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، تفریحگاه - وجود دروازه‌های باز برای ترفیع شغلی و بالاخره پائین بودن درجه تعصب و گروه گرایی و آزادی عمل بیشتر در انتخاب ارزش‌ها در اجتماعات شهری»، (۱:۱) از علل مهم برانگیزنده مهاجرت از روستا به شهر به شمار می‌آید. در واقع از این دیدگاه، مبنای تئوریک (نظری) تحلیل علل مهاجرت از روستا، تصورات و توقعات مثبتی بر وجود فرصت‌های اقتصادی و دسترسی به خدمات اجتماعی در شهرهاست.

گروهی دیگر بر آنند که اصلی‌ترین علل برانگیزنده مهاجرت از روستا، عملکرد نیروهای دافعه در اجتماعات روستایی در شرایط تاریخی معین است. از این دیدگاه، علل دافعه روستایی که با ساز و کار پیچیده خود جمعیت ساکن و نیروی کار روستاها را به سوی شهرها می‌راند، خاستگاه مهاجرت محسوب می‌شود. در این دیدگاه تأکید زیادی روی ناکارآمد بودن نظام‌های تأمین اعتبارات تولیدی در بخش کشاورزی، از بین رفتن واحدهای تولیدی سنتی در روستاها، پائین بودن معیار (استاندارد)های زندگی در روستاها، نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و سیاست‌های اقتصادی مربوط به واردات و صادرات محصولات کشاورزی، می‌شود. در تحلیل علل اساسی مهاجرت از روستا به شهر مجموعه‌ئی از علل فوق را مؤثر می‌دانند که «با مکانیسم‌های پیچیده خود و در ارتباط با روند صنعتی شدن، به اجبار میلیون‌ها روستایی را از محیط زیست خود جابجا کرده و روانه قطب‌های اصلی شهری می‌کند.» (۲:۱). اما مهاجرت در واقع، یک پدیده چند علتی

در بخش نخست این گزارش، که تلخیصی از گزارش جامع «نگرشی نوبه مهاجرت داخلی در ایران» (مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی) است، روند یکصدساله اخیر مهاجرت داخلی در ایران با تأکید بر مهاجرت روستایی و نیز ویژگی‌های مهاجرت‌های روستایی در ایران مورد بررسی قرار گرفت. در دومین و آخرین بخش، نویسندگان به دو موضوع ریشه‌یابی علل مهاجرت روستایی و پیش‌بینی روند آینده آن پرداخته‌اند.

همانگونه که در شماره پیش ذکر شد، «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» به دلیل اینکه این گزارش در حال حاضر یکی از کاملترین گزارش‌های مربوط به موضوع مهاجرت محسوب می‌شود، ضمن تلخیص، اقدام به چاپ عمده‌ترین مباحث آن می‌کند و بدیهی است پیرامون نظریات ابراز شده در این گزارش، باب بحث و ارائه اندیشه‌های تازه کاملاً باز است. رجوع به مآخذ در متن گزارش از طریق علامت پرانتز صورت گرفته که داخل آن در سمت راست شماره مآخذ در فهرست منابع، و در سمت چپ بعد از دوتقطه، شماره و صفحه مطالب مورد نظر ذکر شده است. ضمناً (مآخذ بخش (ه) در متن آورده شده‌اند.

است. به همین لحاظ منحصر کردن آن به عملکرد نیروهای رانش یا کشش، درست و دقیق نمی‌نماید. علل برانگیزنده مهاجرت از روستا به شهر از لحاظ ماهیت می‌تواند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، فرهنگی و یا آمیزه‌ئی از همه این علت‌ها باشد. اما این علل فقط شرط لازم مهاجرت هستند. شرط اساسی دیگر (شرط کافی) مهاجرت، آگاهی مهاجران به وجود امکانات بیشتر و شرایط مساعدتر در مکان‌های جغرافیائی دیگر است. به این اعتبار، نه فقط دافعه‌های روستایی بلکه ادراک تنگناهای حیاتی در محیط‌های روستایی و نه فقط جاذبه‌های شهری بلکه شناخت فرصت‌های زیستی بهتر در محیط شهری است، که سرآغاز پویش اجتماعی مهاجرت روستایی به شمار می‌آید. وانگهی پدیده مهاجرت، فقط در شرایط تاریخی - اقتصادی معین قابل تحلیل و بررسی است. به سخن دیگر، علل گونه‌گون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی و فرهنگی فقط در شرایط تاریخی خاصی از لحاظ درجه تکامل اقتصادی - اجتماعی است که می‌تواند برانگیزنده مهاجرت‌های از روستا به شهر باشد. این استدلال کلی کم و بیش در مورد سایر انواع مهاجرت‌های داخلی نیز صادق است.

مطالعات علل یابی چندان در زمینه علل و عوامل برانگیزنده مهاجرت‌های روستایی در ایران در دست نیست. مطالعات موجود، بیشتر برد منطقه‌ئی دارد، اما همه این مطالعات، بازگویی اهمیت نقش عوامل اقتصادی به ویژه «مهاجرت از روستا در پی جست و جوی کار» است. بنا به بررسی نمونه‌ئی نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی در سال ۱۳۵۱، علل مهاجرت در کل کشور در این سال به شرح زیر گزارش شده است: «از کل جمعیت مهاجر کشور ۱۶/۲ درصد به علت یافتن کار بهتر، ۴/۳ درصد برای جست و جوی کار و ۴/۷ درصد به علت انتقال کار از محل تولد خود مهاجرت کرده‌اند که می‌توان این سه گروه را مسبین اصلی مهاجرت دانست، چون سایر مهاجرین (۷/۶ درصد به علت ازدواج و ۶۲/۳ درصد به علت تبعیت از قایل) به تبعیت از این عده مهاجرت نموده‌اند. بنابراین در میان علل ذکر شده، یافتن کار و بخصوص کار بهتر، از مهم‌ترین عوامل مهاجرت می‌باشند.» (۱:۳).

جدول شماره ۳ - توزیع نسبی مهاجرین بر حسب مناطق و جنس و به تفکیک علت مهاجرت در سال ۱۳۵۱ (درصد)

محل اقامت و جنس	جمع مهاجرین (۱۰۰۰ نفر)	علت مهاجرت					
		جست و جوی کار	کار بهتر	انتقال کار	تحصیل	ازدواج	تبعیت فامیل
کل کشور							
مرد وزن	۴۲۷۵	۷/۴	۱۶/۲	۴/۷	۱۰/۷	۷/۶	۶۲/۳
مرد	۲۲۵۹	۷/۴	۳۰/۶	۸/۶	۱/۱	۰/۲	۲۵/۲
زن	۲۰۱۶	۰/۷	۰/۱	۰/۴	۰/۲	۱۶/۰	۸۱/۳
مناطق شهری							
مرد وزن	۳۸۵۳	۴/۶	۱۶/۲	۴/۸	۰/۷	۷/۲	۶۲/۰
مرد	۲۰۲۲	۸/۲	۳۰/۷	۸/۸	۱/۲	۰/۱	۲۵/۵
زن	۱۸۳۱	۰/۷	۰/۱	۰/۵	۰/۲	۱۴/۰	۸۲/۳
مناطق روستائی							
مرد وزن	۲۲	۱/۰	۱۶/۸	۴/۰	۰/۲	۱۱/۶	۵۶/۲
مرد	۲۳۸	۱/۷	۲۹/۸	۷/۲	۰/۴	۰/۴	۴۳/۷
زن	۱۸۴	-	-	۰/۵	-	۲۶/۱	۷۱/۳

مأخذ: براساس جدول شماره ۲۵ از صفحه ۴۱ سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۵۵

پژوهش های تاریخی موجود، در گذشته وضع زندگی روستائیان از آنچه که امروز هست به مراتب بدتر بود، اما این وضع بدتر، موجب مهاجرت روستائیان به شهرها نمی شد. حاصل این نوع علل یابی، طرح نظریات مبنی بر مقابله با روند مهاجرت روستائی از طریق عمران روستاهاست. در ضرورت عمران روستاهای کشور جای هیچ شکی نیست اما البته، از این طریق نمی توان نرخ مهاجرت روستائی را کاهش داد. بنا به تجربه، اجرای برخی پروژه ها نظیر بهبود خدمات آموزشی، احداث راه، تامین برق و غیره در مناطق روستائی، خود موجب تشویق و تشدید حرکت مردم روستاها به شهرها می شود. در گزارش «مهاجرت و توسعه روستائی» که F.A.O. در سال ۱۹۷۸ منتشر ساخته است ارتباط میان توسعه فعالیت های زیر بنائی نظیر برق با مهاجرت روستائی و نقش آن در افزایش مهاجرت ها در کشورهای جهان سوم به روشنی بازگو شده است. (۲)

برخی دیگر، در تحلیل مهاجرت روستائی به فرو پاشی نظام های کشاورزی و آغاز انهدام واحدهای

تولیدی سنتی دهقانی و محو گروه های دسته جمعی کار زارعی و غیره اشاره می کنند. اما شکی نیست که این قبیل عوامل خود معلول علل عمده تری هستند که به ساخت اقتصادی و رشد و تکامل نیروهای تولیدی جامعه مربوط می شود. این نوع تحلیل، به شکل گیری اصول عقایدی منجر شده است که براساس آن، گروهی مدعی اند که برای مقابله با پویش مهاجرت روستائی، که به عقیده آنان عامل تخریب کشاورزی و فروپاشی نظام های تولیدی سنتی است، باید:

- از انهدام نظام های سنتی کشاورزی جلوگیری کرد.
- نظام بنه و صحرا و حراسه و غیره را احیاء کرد.
- سنت های قدیمی روستائی چه در بعد تولیدی و چه در بعد اجتماعی را زنده نمود.
- قنات ها را احیاء کرد و غیره....

روند پیشرفت اقتصادی و توسعه کشاورزی در کلیه کشورهای جهان با این طرز فکر منافات دارد. به این اعتبار، سرمایه گذاری برای تحقق این قبیل تمهیدات، از هر لحاظ که به آن نگریسته شود، فقط آب درهون کوبیدن است. حفظ نظام های خود معیشتی تولید کشاورزی، مقابله با رشد الگوی کشت تجاری و حفظ بافت سنتی روستاها از طریق احداث یامرت قنات، زنده کردن سنت کدخداهائی و غیره و مقابله با روند فزاینده مهاجرت های روستائی از طریق این نوع تمهیدات در شرایط بسط سرمایه داری در روستاها، عملاً ناممکن است.

شکی نیست که ضعف خدمات، کمبود امکانات و تاسیسات اجتماعی و فرهنگی و بهداشتی و خدماتی از زیره شرایط عمومی زندگی در روستاها به شمار می آید. اما فقط در وضعیتی که این امکانات در شهرها فراهم باشد (شرط لازم مهاجرت) و فقط در شرایطی که روستائیان به وجود این امکانات در شهر شناخت داشته باشند و در وضعیتی که سایر عوامل و شرایط فراهم باشد (برروی هم شرط کافی مهاجرت)، پویش مهاجرت روستائی تحقق می پذیرد.

روشن است که وضعیت فراهم بودن امکانات

شناخت کامل پویش مهاجرت روستائی در شرایط ایران کفایت نمی کند.

گروه بندی کلی تر علل مهاجرت به عوامل دافعه روستاها و عوامل جاذبه شهرها نیز، به رغم آن که از لحاظ سطح تجرید تکامل یافته تر است، اگر به عناصر واقعی تجزیه نشود به شناخت واقعی پدیده مهاجرت روستائی منجر نخواهد شد.

در غالب مطالعات موجود در باب مهاجرت روستائی در ایران، اکثر تحلیل های ارائه شده، یا در سطح تجرید اول باقی مانده است یا اگر به سطح تجرید دوم دست یافته باشند، در تجزیه و تحلیل عوامل، فقط به فهرستی از علل «اظهار شده» توسط سخنگویان اکتفا کرده اند. این سطح ناقص از تحلیل، غالباً موجب گمراهی های فراوان چه در زمینه نگرش به پویش مهاجرت روستائی، و چه در زمینه سیاست گذاری و تدبیر اندیشی در مقابل آن می شود.

نیروهای دافعه روستاها چیست؟ اکثر گزارش ها به فقدان تسهیلات و تاسیسات رفاهی و خدماتی، کمبود درآمد و شرایط سخت زندگی در روستاها اشاره می کنند. روشن است که این قبیل علل، برخاسته از شرایطی است که قرن هاست در مناطق روستائی کشور حاکم است. به استناد

جدول شماره ۴ - مقایسه مصرف سرانه خانوارهای شهری و روستائی به قیمت جاری هزار ریال

سال	مصرف سرانه شهری	مصرف سرانه روستائی	نسبت
۱۳۳۸	۱۵/۶	۹/۹	۱/۶
۱۳۵۰	۳۲/۱	۱۱/۷	۲/۷
۱۳۵۳	۶۱/۰	۱۷/۵	۳/۵
۱۳۵۶	۱۲۰/۰	۲۵/۷	۴/۷
متوسط رشد سالانه دوره ۱۳۳۸-۵۶	۱۲٪	۵/۴٪	-

مأخذ: محاسبه شده از جداول شماره ۳۸۲ و ۳۶۳ - حساب های ملی ایران ۱۳۳۸-۵۶ بانک مرکزی ایران - ۱۳۶۰ - صفحات ۳۷۰ و ۳۹۰

در جدول شماره ۳ به نقل از منبع مذکور، توزیع نسبی مهاجرین به حسب مناطق و جنس به تفکیک علت مهاجرت در سال ۱۳۵۱ بازگو شده است. (۸۲:۳)

در میان مطالعات موجود در باب پویش مهاجرت در ایران، یک مطالعه هم از لحاظ وسعت جامعه آماری مورد بررسی، و هم از این لحاظ که وضع مهاجرین را در مقصد مهاجرت مورد بررسی قرار داده، از مطالعات دیگر متمایز است. این مطالعه حاصل کار مشترک پژوهشگران وزارت کار و سازمان برنامه در زمینه ارائه سیمای مهاجران در تهران و تبریز از طریق بررسی بیش از ۷ هزار خانوار نمونه (۱) در سال ۱۳۵۴ است، در ضمن این مطالعه خانوارهای نمونه (در مقصد مهاجرت) از لحاظ دلائل ترک محل تولدشان نیز مورد مطالعه قرار گرفته اند. بنا به نتایج این بررسی، در شهر تهران بزرگترین علل در ترک محل تولد، تبعیت از خانوار (۳۵ درصد) بوده است. علل مربوط به دستمزد و درآمد (۲۳ درصد) و بیکاری (۱۳/۷ درصد) در مراحل بعدی اهمیت قرار دارند. عوامل دیگر از قبیل انتقال کار (۴ درصد)، امکان یافتن کار (۲/۵ درصد)، استفاده از خدمات آموزشی (۱/۸ درصد) و امکان ترقی (۱/۶ درصد) سهم کمی در مجموع دلائل مربوط به ترک محل تولد داشته اند. (۲: ۳۵۵). به عبارت دیگر، اگر سهم مهاجرت تبعی از نسبت های فوق خارج شود، بیشترین دلائل مشخص برانگیزنده مهاجرت به شهر تهران دلائل اقتصادی مربوط به اشتغال و کسب درآمد است. بنا به نتایج مطالعه در شهر تبریز، علل اقتصادی از قبیل جست و جوی کار و امکان ترقی و کسب درآمد و غیره حدود یک سوم از کل دلائل مشخص مربوط به علل ترک محل تولد را شامل می شود. (۲: ۶۵).

همان طور که گفته شد علل برانگیزنده مهاجرت های روستائی می تواند خاستگاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره داشته باشد. اما این گروه بندی علل مهاجرت در مقولات فوق، بازگویی آنچنان سطحی از تجرید است، که برای

شرح	سال ۱۳۵۸		سال ۱۳۵۹	
	متوسط درآمد	شاخص	متوسط درآمد	شاخص
متوسط کل کشور	۵۱۴۲۰۰	۱۰۰	۶۰۸۸۰۰	۱۰۰
کشاورزی (در مناطق شهری)	۳۷۰۵۰۰	۷۲	۴۷۷۰۰۰	۷۸
استخراج معدن	۷۸۲۳۰۰	۱۵۲	۶۲۷۳۰۰	۱۰۳
صنایع	۵۲۲۵۰۰	۱۰۲	۶۰۹۱۰۰	۱۰۰
برق، گاز و آب	۶۶۰۷۰۰	۱۲۸	۷۳۶۲۰۰	۱۲۱
ساختمان	۳۵۳۴۰۰	۶۹	۴۶۶۹۰۰	۷۷
فروش و منتداری	۵۳۰۶۰۰	۱۰۳	۶۶۸۴۰۰	۱۱۰
حمل و نقل و ارتباطات	۵۶۸۶۰۰	۱۱۱	۷۰۴۱۲۰	۱۱۶
خدمات مالی، ملکی و تجاری	۸۹۰۸۰۰	۱۷۳	۱۰۴۸۲۰۰	۱۷۲
خدمات اجتماعی و شخصی	۶۶۴۵۰۰	۱۲۹	۷۴۶۱۰۰	۱۲۳

مأخذ: آمارگیری از بودجه خانوارهای شهری و روستایی سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ مرکز آمار ایران.

جمعیت و «امکانات حیاتی» برقرار شود. از لحاظ نظری، در وضعیت افزایش جمعیت و ضرورت عملکرد پدیده دفع، تعادل حیاتی در شرایطی به بهترین نحو برقرار می گردد که اولاً: جمعیت مهاجر روستائی بطور اقتصادی جذب مراکز شهری - صنعتی شوند و ثانیاً: همراه با خروج نیروی کار کشاورزی کم شده، نیروی باقی مانده در بخش کشاورزی با بهره گیری از امکانات تکنولوژی جدید، با بازدهی بالاتری به تولید کشاورزی ادامه دهد. و علاوه بر این، عوامل و امکانات تولیدی کشاورزی جدیدی نیز به کار گرفته شود.

بنابراین، بوجود آمدن تعادل حیاتی بستگی کامل به چگونگی توسعه اقتصادی به ویژه توازن رشد بخش ها و مناطق دارد. به این اعتبار، در جوامع عقب مانده حرکات جمعیتی از روستا به شهر در بخش کشاورزی و بویژه در برخی مناطق محروم، لزوماً به ایجاد تعادل حیاتی منجر نخواهد شد و محتمل است که حتی برخی از امکانات تولیدی و نیز حتی برخی از مناطق کشاورزی بطور کامل رها و متروکه شوند. این جریان از مناطق دارای امکانات تولیدی با بازدهی پائین و مناطقی که تولید در آن بر پایه معقولیت اقتصاد سرمایه داری (ونه بر اساس اقتصاد خود معیشتی خانوادگی) غیر اقتصادی است آغاز می شود و حتی محتمل است که در برخی مناطق دامنگیر امکانات تولیدی و مناطق جدیدتر نیز بشود. (۳)

در کشورهای پیشرفته صنعتی نیز مکانیسم های ایجاد تعادل حیاتی دایماً در کارند. به طور مثال، در ایالات متحده آمریکا در شرایط پیشرفت صنعتی، تعادل حیاتی به نفع شهرها به هم خورده است. بطوریکه مهاجرت از شهر به روستا یا حداقل به اطراف شهرها (که البته لزوماً با کار کشاورزی معادل نیست) صورت می پذیرد. (۴)

به سخن دیگر، اگر فشارهای جمعیتی در کار نباشد حتی به رغم همه شکاف های موجود میان شهر و روستا، هیچ تضمینی نیست که روستائیان از روستای محل تولدشان به نقاط دیگر (شهر یا روستا) مهاجرت کنند. هم چنان که وقتی این فشارهای جمعیتی به صورت یک نیروی دافعه، بخشی از جمعیت روستا را به مهاجرت وامی دارد. همه جمعیت مهاجرت نمی کنند. حال آن که همه به یک اندازه تحت تاثیر عوامل مربوط به برآیند دافعه های روستا و جاذبه های شهر (شکاف های موجود میان شهر و روستا) قرار دارند. به این اعتبار، اگر ناگزیر از تفکیک علل مهاجرت در دو سطح عوامل دافعه و جاذبه باشیم، آنچه که در تحقق پویای مهاجرت نقش مهم تری برعهده دارد نه فقط برآیند

افزایش فشارهای جمعیتی فرآیندی است وابسته به برهم خوردن تعادل های حیاتی روستا. به عبارت دیگر، این فشارها معلول شرایط عدم تناسب میان افزایش جمعیت روستائی و سطح موجود و قابل بهره برداری امکانات تولیدی در روستاهاست.

اگر روستا با فشار جمعیتی روبرو باشد یعنی رقم جمعیت ساکن در آن با سطح موجود و قابل استفاده عوامل تولید متناسب نباشد، به ناچار

● از برخی تجربه ها چنین بر می آید که اجرای پروژه هایی چون بهبود خدمات آموزشی، احداث راه، تامین برق و غیره در مناطق روستایی، خود موجب تشویق و تشدید حرکت مردم روستاها به شهرها می شود.

گروهی از جمعیت را در موقعیت تصمیم گیری و اقدام به ترک روستا قرار می دهد. در چنین موقعیتی است که آگاهی به وجود شرایط مساعد و مناسب در نقاط دیگر (خواه شهر و خواه روستا)، به صورت کاتالیزور، فرآیند تصمیم گیری و اقدام را تسهیل می کند. حتی در چنین موقعیتی نیز همه ساکنان روستا، آن را ترک نمی کنند. در وجه کلی و نظری، دفع نیروی کار از روستا تا آنجا ادامه می یابد که «تعادل های حیاتی لازم» میان «تعداد

در شهرها (جاذبه های شهر) فقط در شرایط رشد و توسعه سرمایه داری قابل تحقق است. ایجاد مراکز شهری - صنعتی باتراکم زیاد جمعیت و پیدایش شهرهای بزرگ با کارکردهای اقتصادی، فرهنگی، اداری و سیاسی همه محصول شرایط توسعه سرمایه داری است. وانگهی روستائیان فقط در شرایطی از این وضعیت جاذبه شهری مطلع می شوند که ازسویی نیازهای متنوع روستاها، و ازسوی دیگر توسعه ارتباطات (گسترش وسائل ارتباط جمعی و گسترش شبکه ارتباطی)، امکان بسط قابل ملاحظه ارتباط جوامع روستائی و شهری را فراهم ساخته باشد. و این توسعه مگر در شرایط انکشاف سرمایه داری، یعنی رشد بازار و غلبه تولید کالائی، قابل تحقق نیست. به این اعتبار پویای مهاجرت روستائی در بعد تشدید شده و برانگیخته آن، به مثابه برآیند دینوروی دافعه و جاذبه، حاصل شرایط تحول تاریخی خاصی است که اقتصاد سرمایه داری فراهم می سازد. به سخن دیگر، محور بودن کشاورزی در اقتصاد جامعه پیش از سرمایه داری، یک «تمدن قضای منسوخ» را به وجود می آورد که به اعتبار آن میزان تحرک ها در سطح حداقل ممکن است. اما جامعه صنعتی عصر سرمایه داری «تمدن قضای گسترده» است. این تمدن جهانی، بنابه ضرورت مستلزم انواع تحرک ها (مکانی - شغلی و طبقاتی) است. بنابه تجارب جهانی موجود، جامعه سرمایه داری از لحاظ فراهم بودن امکان انواع تحرک های مکانی و شغلی و طبقاتی از هر دو شکل بندی قبل و بعد از خود، بازتر است. وانگهی اقتصاد سرمایه داری موجب افزایش درجه معقولیت رفتار اقتصادی شده و از طریق گسترش ارتباطات و تنوع بخشیدن به فعالیت های اقتصادی، شرایطی را فراهم می سازد که به اعتبار آن افراد امکان مقایسه میان فرصت های اقتصادی و اجتماعی متعددی را به دست می آورند. اما شرط کافی مهاجرت، فراهم بودن عوامل و شرایطی است که برپهنه آن عملکرد آگاهی نسبت به برآیند نیروهای دافعه و جاذبه (یعنی مجموعه شکاف های موجود میان شهر و روستا) منجر به فرآیند تصمیم گیری و اقدام به ترک روستا در میان برخی از روستائیان شود. عنوان کلی این عوامل و شرایط «افزایش فشارهای جمعیتی» در مناطق روستائی است.

جدول شماره ۶ - مقایسه نسبت خانوارهای شهری و روستائی که از امکانات رفاهی بهره می گیرند.

شرح	آب لوله کشی	برق	یخچال	تلویزیون
۱۳۵۶ خانوار روستائی	۱۱/۷	۱۶/۲	۷/۶	۳/۲
خانوار شهری	۷۹/۶	۹۱/۶	۷۳	۵۲/۲
۱۳۶۲ خانوار روستائی	۳۲/۵	۴۹/۱	۲۹/۶	۱۹/۴
خانوار شهری	۹۲/۲	۹۹/۴	۸۸/۱	۷۵/۶

مأخذ: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۸ (صفحات ۱۰۴۸ و ۱۰۵۶) - استخراج دستی - آمارگیری بودجه خانوارهای شهری و روستائی - ۱۳۶۲ مرکز آمار ایران.



۱ - به هم خوردن تعادل های حیاتی روستا

منشاء به هم خوردن تعادل های حیاتی، افزایش سریع جمعیت در نتیجه نرخ رشد طبیعی بالاست. این تعادل از طریق تناسب میان رقم جمعیت و سطح بهره برداری از امکانات حیاتی بالفعل و مورد استفاده ساختن امکانات بالقوه موجود، برقرار می گردد. به طور مثال، بنا به آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ کل اراضی قابل کشت کشور در این سال ۱۱۳۵۶ هزار هکتار بود. جمعیت روستائی کشور در سال فوق ۱۴/۴ میلیون نفر (۳۷۰:۷) بود. در نتیجه سرانه اراضی قابل کشت به جمعیت روستائی در حدود ۰/۸ هکتار بوده است. اگر تعداد آبادی های روستائی کشور و در نتیجه سطح زیر کشت و قابل کشت کشاورزی در سال های بعد افزایش نمی یافت (یعنی در صورت عدم استفاده از امکانات بالقوه) با توجه به رقم جمعیت روستائی مورد انتظار (۵) سرانه زمین قابل کشت در سال ۱۳۶۰ به ۰/۴ هکتار کاهش می یافت. منتها در فاصله سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰ حدود ۱۲ هزار آبادی به آبادی های روستائی کشور و حدود ۵/۸ میلیون هکتار به سطح اراضی قابل کشت کشور افزوده شده است. و آن گهی تعدادی از جمعیت روستائی کشور در فاصله زمانی فوق راهی شهرها شدند. این وضع بازگویی آن است که افزایش جمعیت روستائی تعادل زیستی روستاهای کشور را به هم می زد اما این تعادل مجدداً از سویی از طریق افزایش آبادی ها و در نتیجه افزایش زمین قابل کشت و مهاجرت گروهی از روستائیان به نقاط روستائی دیگر، و از سوی دیگر از طریق مهاجرت روستائیان به شهرها برقرار می گردید. به طوریکه با توجه به رقم سطح قابل کشت معادل ۱۷/۱ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۰ (سرشماری جهاد: ۱۶) و رقم جمعیت روستائی در این سال که حدود ۱۸/۷ میلیون نفر است، سرانه اراضی قابل کشت در نقاط روستائی کشور به ۰/۹ هکتار افزایش یافته است. مفهوم واقعی این افزایش، افزایش درآمد و سطح زندگی روستائیان است. به سخن دیگر در سال ۱۳۳۹ سرانه اراضی زیر کشت به جمعیت شاغل در بخش کشاورزی معادل ۲ هکتار بوده است. این نسبت در سال ۱۳۶۰ به رقم ۴ هکتار (۲ برابر) افزایش یافته است. این وضع بازگویی آن است که در بخش کشاورزی مناطق روستائی کشور، در فاصله زمانی فوق افزایش بهره وری کار وجود داشته است یا به عبارت دیگر، یک فرد شاغل در بخش کشاورزی در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال ۱۳۳۹ تولید بیشتری داشته است.

● حفظ نظام های خود معیشتی تولید کشاورزی، مقابله با رشد الگوی کشت تجاری و حفظ بافت سنتی روستاها، از طریق احداث یا مرمت قنات و نظایر آن، و مقابله با افزایش مهاجرت روستائی از طریق این نوع تمهیدات، در شرایط بسط سرمایه داری در روستاها عملاً ناممکن است.

این عوامل، بلکه آگاهی به این برآیند در شرایط وجود فشارهای جمعیتی است.

حال می توان به این پرسش که عوامل دافعه روستائی چیست، پاسخ داد. این عوامل نه «فهرستی از پاسخ های متفاوت مهاجرین» (که می توان آن را در مقوله های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره گنجانند)، بلکه بازگویی وضعیت به هم خوردن تعادل های حیاتی در روستاهاست. این عدم تعادل عموماً در نتیجه افزایش جمعیت و بهبود نسبی اوضاع زندگی در شرایط توسعه سرمایه داری تحقق می پذیرد. از وجوهای این توسعه در جوامع روستائی، نضج سرمایه داری ارضی، افزایش استفاده از انواع ماشین آلات کشاورزی، فروپاشی

سنتی کشاورزی و تحول ساختار تولید کشاورزی است. بنابراین، همگام با به هم خوردن تعادل حیاتی در روستاها، نیاز به نیروی کار نیز به واسطه تحول تکنولوژیک تولید کشاورزی کاهش می یابد. در چنین وضعیتی تحول ساختار اقتصادی در کل کشور، زمینه مناسبی برای تحول مشاغل در شهرها فراهم می سازد. و در نتیجه از دیدگاه جمعیت ساکن در روستا و نیروی کار بخش کشاورزی، امکان مقایسه های لازم، برای سنجش میان فرصت های شغلی میان شهر و روستا و اختلاف درآمد حاصل از فعالیت در بخش کشاورزی و بخش های دیگر را فراهم می سازد. پوشش مهاجرت روستائی در ایران در چنین شرایطی تحقق می پذیرد. با توجه به مطالب ذکر شده، در توجیه علل مهاجرت های روستائی به دو مقوله کلی «به هم خوردن تعادل های حیاتی» و «شکاف های موجود میان شهر و روستا» اکتفا می کنیم.

جدول شماره ۷ - نسبت اشتغال در بخش کشاورزی در گروه کشورهای پیشرفته، سوسیالیستی، در حال توسعه، کم توسعه یافته و کشور ایران (۱) (درصد)

شرح	سال میلادی								
	۱۹۷۲	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	درصد تغییر سالانه ۱۹۷۱-۸۰
کشورهای پیشرفته سرمایه داری	۱۰/۸	۱۰/۲	۱۰/۰	۹/۶	۹/۲	۸/۸	۸/۴	۸/۱	-۴/۰
کشورهای سوسیالیستی (آرژانتین، برزیل، یوگوسلاوی)	۲۴/۶	۲۳/۱	۲۳/۱	۲۲/۳	۲۱/۵	۲۰/۷	۱۹/۹	۱۹/۲	-۴/۲
کشورهای در حال توسعه	۶۳/۶	۶۲/۹	۶۲/۲	۶۱/۴	۶۰/۷	۶۱/۲	۵۹/۲	۵۸/۴	-۱/۸
کشورهای کم توسعه یافته	۸۳/۶	۸۳/۲	۸۳/۸	۸۲/۳	۸۱/۹	۸۱/۵	۸۱/۰	۸۰/۵	-۰/۵
کشور ایران	۴۳/۰	۴۲/۲	۴۱/۵	۴۰/۷	۴۰/۰	۳۹/۳	۳۸/۵	۳۷/۸	-۱/۸

1) F.A.O. Economic and Social development paper "Socio-economic indicators relating to the Agricultural Sector and rural development" No. 40, Rome 1984, P.3-10.

به سخن دیگر، از آنجا که در ایران بخش اعظم جمعیت تا دهه قبل در روستاها سکونت داشت و نرخ شهرنشینی پایین بود، افزایش نرخ رشد جمعیت به طور جهشی بر جمعیت روستاها افزوده و با توجه به عدم تعادل جمعیتی شهر و روستا و نیز امکانات مناسب برای رشد شهرها و در مقابل محدودیت گسترش روستاها (در مقیاس هر آبادی)، منجر به تشدید پدیده مهاجرت های روستائی در کشور شد. همه این مهاجرین روستائی به شهرها مهاجرت نکردند. بخشی از آنان در زمین های کشاورزی نوآباد مستقر شدند و آبادی های روستائی تازه ای را تشکیل دادند. و بخشی دیگر نیز به شهرها روی آوردند.

با توجه به نرخ رشد طبیعی جمعیت کشور در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بر پایه رقم جمعیت روستائی سال ۱۳۳۵ (معادل ۱۲ میلیون) جمعیت روستائی مورد انتظار در سال ۱۳۵۵ حدود ۲۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۱ حدود ۲۷/۵ میلیون نفر بود. حال آن که رقم واقعی جمعیت روستائی در این دو مقطع به ترتیب حدود ۱۷/۸ میلیون نفر و ۱۸/۹ میلیون نفر بود. به این ترتیب، در فاصله زمانی فوق آبادی های روستائی کشور برای حفظ تعادل های حیاتی، به طور مداوم ناگزیر از دفع قسمتی از جمعیت به خارج از آبادی های روستائی (به اعتبار تعداد موجود در سال ۱۳۳۵) بوده است. به سخن دیگر، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۱ در حدود ۸/۶ میلیون نفر از

جمعیت روستائی به شهرها و یک میلیون نفر به حدود ۱۲ هزار روستای تازه تأسیس مهاجرت کردند.

۲- شکاف های موجود میان شهر و روستا

شکاف های موجود میان شهر و روستا در سه سطح درآمد، خدمات و تسهیلات و فرصت اشتغال، قابل بررسی است.

اولی: درآمد: بنا به آمار موجود، از سال های قبل از اجرای اصلاحات ارضی تاکنون شکاف درآمدی میان شهر و روستا به طور پیوسته و با آهنگ شدیدی عمیق تر شده است.

همان طور که در جدول شماره ۴ دیده می شود نسبت مصرف سرانه شهری به مصرف روستائی (شکاف درآمدی میان شهر و روستا) از ۱/۶ در سال ۱۳۳۸ به ۴/۷ در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است. رشد متوسط سالانه مصرف سرانه در نقاط شهری حدود ۱۲ درصد و در نقاط روستائی فقط حدود ۵ درصد بوده است. این وضعیت بازگویی عمیق تر شدن پیوسته شکاف درآمدی و در نتیجه شکاف میان سطح زندگی در دو مکان جغرافیائی شهر و روستاست. این شکاف از عوامل مهمی است که روستائیان را به سوی شهرها می کشاند.

در واقع «تعادل جمعیت شهرنشین و روستائین» به اختلاف درآمدها بین این دو محیط نیز بستگی دارد. این اختلاف که در سال ۱۳۵۲ حدود ۱ به ۴ بود، یکی از عوامل تعیین کننده مهاجرت هاست. این اختلاف را که به اختلاف ارزش شغلی بستگی دارد، نمی توان با نقل و انتقالات اجتماعی، بسادگی از میان برد. بعلاوه، هر چه میزان افزایش محصول ناخالص داخلی زیادتر شود، این اختلاف بیشتر خواهد شد. زیرا در واقع بر حسب بخش ها و بر حسب گروه های اجتماعی - حرفه ای، عدم تحرک های گوناگون وجود دارد. مثلاً ارزش افزوده شغل کشاورزی به نسبت، بسیار کم تر از ارزش افزوده بخش های دیگر است و این تا هنگامی است که ترک روستاها انقدر پدیده شده که به شغل کشاورزی امکان دهد بخشی از عقب افتادگی خود را جبران کند» (۶).

منبع اصلی درآمد بخش عمده روستائیان کشور

● اگر فشارهای جمعیتی درکار نباشد، به رغم تمامی شکافهای موجود بین شهر و روستا، هیچ تضمینی برای مهاجرت روستائیان وجود ندارد و در صورت مهاجرت بخشی از روستائیان هم، همه مهاجرت نمی کند؛ درحالیکه اثر بر آیند نیروهای دافعه بر تمامی روستائیان یکسان است.

فعالیت کشاورزی است. در جدول شماره ۵ درآمد یک خانوار کشاورز روستائی با خانوارهای غیرکشاورز شهری مقایسه شده است:

همان طور که در جدول دیده می شود متوسط درآمد سالانه یک خانوار کشاورز در روستا در سال ۱۳۵۸ حدود ۲۰ هزار تومان بوده درحالی که متوسط درآمد خانوارهای شهری در همین سال ۵۰ هزارتومان یعنی حدود ۲ برابر درآمد خانوار روستائی است.

بنا به جدول متوسط درآمد آن گروه از خانوارهای شهری که به خدمات مالی، ملکی و تجاری اشتغال دارند به حدود ۹۰ هزارتومان یعنی ۴/۵ برابر متوسط درآمد خانوارهای روستائی بالغ می شود.

کم درآمد ترین خانوارهای شهری کارگران بخش ساختمانی اند که عموماً منشاء روستائی دارند. حتی این گروه نیز حدود ۱/۵ برابر بیش از خانوارهای کشاورز روستائی درآمد دارند. حتی در خود روستا نیز بنا به نتایج آمارگیری از بودجه خانوارهای روستائی در سال ۱۳۵۵، درآمد خانوارهای غیرکشاورزی شاغل در صنعت، معدن، ساختمان، حمل و نقل و خدمات از درآمد خانوارهای کشاورز بیشتر است و این شکاف درآمدی حتی به

جدول شماره ۸- تولید سرانه شاغلان بخش کشاورزی، عملکرد در هکتار و نسبت سرانه اراضی در گروه کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و توسعه نیافته (۱)

شرح	کشورهای پیشرفته	کشورهای در حال توسعه	کشورهای توسعه نیافته
سرانه تولید شاغلان بخش کشاورزی (تولید معادل گندم برای هر نفر شاغل): تن (سال های ۱۹۵۷-۶۲)	۴۱/۰	۹/۹	۴/۷
۱۹۸۰ (سال های ۱۹۵۵-۸۰)	۱۱۶/۱	۲۳/۹	۶/۴
درصد نرخ رشد سالیانه (۱۹۶۰-۸۰)	۵/۹	۵/۰	۱/۷
عملکرد در هکتار (تولید معادل گندم هر هکتار): تن (سال های ۱۹۵۷-۶۲)	۲/۲۰	۰/۷۶	۱/۰۴
۱۹۸۰ (سال های ۱۹۵۵-۸۰)	۳/۲۹	۱/۳۳	۱/۶۱
درصد نرخ رشد سالیانه (۱۹۶۰-۸۰)	۲/۳	۳/۲	۲/۵
نسبت سرانه اراضی هر نفر شاغل از بخش کشاورزی (مساحت به هکتار) (سال های ۱۹۵۷-۶۲)	۱۸/۶	۱۳/۱	۴/۶
۱۹۸۰ (سال های ۱۹۷۵-۸۰)	۳۵/۳	۱۸/۰	۴/۰
درصد نرخ رشد سالیانه (۱۹۶۰-۸۰)	۳/۶	۱/۸	۰/۸

1) The developing Economics, Volume XXI, Sep. 1983, No. 3-Institute of developing Economics Tokyo, Japan. The production structure of world Agriculture:

دو برابر نیز می رسد (۶). بنابراین، مسئله اساسی در زمینه اختلاف درآمد میان شهر و روستا، اختلاف بازدهی میان بخش های اقتصادی است. به این ترتیب حتی اگر بتوان با اتخاذ سیاست های مختلف مانع از مهاجرت روستائیان به شهر شد، ناهماهنگی میان بخش ها، نیروی کار بخش کشاورزی را از این بخش کنده و به سایر بخش های اقتصادی منتقل خواهد ساخت.

دوم، خدمات و تسهیلات: بخش اعظم سرمایه گذاری های عمرانی در سال های اخیر صرف ایجاد تاسیسات زیربنائی و خدماتی در نقاط شهری شده است. گسترش شهرها و صرف سرمایه های عمرانی در نقاط شهری، شکاف های میان شهر و روستا را از لحاظ وجود امکانات و تسهیلات خدماتی و زیربنائی به شدت عمیق تر کرده است.

در جدول شماره ۶ مقایسه خانوارهای شهری و روستائی از لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی آب و برق و لوله کشی گاز، یخچال و تلویزیون بازگو شده است. همان طور که در جدول دیده می شود در سال ۱۳۶۲ حدود ۹۳ درصد خانوارهای شهری از آب لوله کشی و ۹۹ درصد از آنان از برق بهره مند بودند حال آن که فقط ۳۲ درصد روستائیان از آب لوله کشی و فقط ۴۹ درصدشان از برق استفاده کردند. این نسبت ها در سال ۱۳۵۶ به ترتیب فقط ۱۱/۷ و ۱۶/۲ درصد بود.

در سال ۱۳۵۶ فقط ۷/۶ درصد خانوارهای روستائی از یخچال و ۳/۲ درصدشان از تلویزیون استفاده می کردند. این نسبت ها در سال ۱۳۶۲ به ۲۹/۶ و ۱۹/۴ درصد افزایش یافت. حال آن که در مقایسه با خانوارهای شهری بهره مند از این وسایل (در سال ۱۳۶۲) هنوز از ۴٪ نیز کم تر است.

شکاف های خدماتی موجود میان شهر و روستا، از ابعاد دیگری از قبیل بهداشت و مسکن و آموزش نیز قابل بررسی است. بنا به آمار سال ۱۳۵۲ نرخ مرگ و میر کودکان کم تر از یکسال در مناطق روستائی کشور ۱۲۴ در هزار بوده است حال آن که این نسبت در همین سال در مناطق شهری فقط ۶۳/۶ در هزار (نصف میزان مرگ و میر کودکان در مناطق روستائی) است. (۱۳۳:۳) از لحاظ برخورداری از خدمات درمانی (وجود درمانگاه) نیز اختلاف بسیار عمیقی میان شهر و روستا وجود دارد. بنا به آمار سال ۱۳۵۴ درحالی که در نقاط شهری کشور برای هر ۹۵۱۸ نفر جمعیت شهرنشین یک درمانگاه وجود داشته، در نقاط روستائی به ازای هر ۱۳۹۸۸ نفر جمعیت یک درمانگاه وجود داشت. بنا به همین آمار از مجموع ۲۸۷۹ درمانگاه ۱۵۴۳ درمانگاه برای ۳۷۸ شهر و ۱۳۳۶ درمانگاه برای ۶۰ هزار روستا بود. (۱۷۱:۳).

بنا به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ از ۱۱۴۵۱ پزشک موجود در کشور فقط ۷۸۰ پزشک در روستاها بودند. (۱۱۰:۹۴:۴) به عبارت دیگر در این سال به ازای هر ۲۳ هزار نفر جمعیت روستائی کشور، فقط یک پزشک وجود داشته حال آن که در شهرها به ازای هر ۱۵۰۰ نفر جمعیت شهری یک پزشک وجود داشت.

البته از لحاظ توزیع امکانات درمانی، حتی میان خود شهرها نیز اختلافات فاحشی وجود دارد. به طور مثال بنا به آمار فوق الذکر از مجموع ۱۱۷۶۰ نفر پزشک در سال ۱۳۵۴ حدود ۵۳ درصدشان



نیروی کار از روستاها به نقاط شهری محسوب می شود.



به این ترتیب عوامل فوق بمثابة شاخص ترین سطوح مربوط به شکاف میان شهر و روستا (=برایند نیروهای جاذبه و دافعه) از مهم ترین عوامل برانگیزنده مهاجرت شدید نیروی کار روستائی به نقاط شهری در سال های اخیر به ویژه از آغاز دهه ۱۳۵۰ به بعد است. نکته مهم در این زمینه آن است که این برآیند در واقع به صورت یک مجموعه واقعی و عینی عمل می کند. مهاجرت روستائیان حاصل عمده بودن عملکرد هیچ یک از این عوامل بصورت تکی و مجزا نیست. فقط مجموعه عوامل فوق در یک زمینه تاریخی معین یعنی در شرایط خاص توسعه سرمایه داری (هم در شهر و هم در نقاط روستائی) است که عامل مهاجرت روستائیان به شهرها به شمار می آید.

هـ - پیش بینی روند مهاجرت روستائی در ایران

روند مهاجرت روستائی به اعتبار دو مسئله «وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی ایران» و «افزایش جمعیت با نرخ رشد بالا» به ناگزیر با نرخ فزاینده‌تری به طور پیوسته ادامه خواهد یافت. به منظور شناخت نقش استمرار بخشنده و تشدید کننده عوامل فوق در پویای مهاجرت روستائی، این دو مسئله اجتماعی - اقتصادی و تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مسئله وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی.

در مباحث اقتصادی، جمعیت مازاد نسبی

متمرکز است، این اختلاف موجب بروز تفاوت های آشکاری میان دو مکان شهری و روستائی، از لحاظ دستیابی ساکنان این مکان ها به انواع مشاغل می شود.

به طور مثال و بنا به آمار، میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی که طی برنامه عمرانی چهارم معادل ۴۱ میلیارد ریال بوده، در برنامه پنجم به رقم ۱۵۶ میلیارد ریال افزایش یافت اما قدر نسبی اعتبارات عمرانی این بخش طی دو برنامه فوق از ۸/۱ به ۶/۱ درصد کاهش یافت (۵:۵) قدر نسبی اعتبارات عمرانی بخش صنعت نیز

● روند مهاجرت روستائی

به اعتبار دو مسأله «وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی» و «افزایش جمعیت با نرخ رشد بالا» ناگزیر با نرخ فزاینده‌ای به طور پیوسته ادامه خواهد یافت.

در فاصله دو برنامه فوق از ۳۳/۶ درصد به ۲۶/۸ درصد کاهش یافته است. اما قدر مطلق اعتبارات این بخش در برنامه پنجم ۵۳۰ میلیارد ریال بیش از قدر مطلق اعتبارات بخش کشاورزی است. در مقابل قدر نسبی سرمایه گذاری در سایر زمینه ها (عمدتا بخش خدمات) از ۲۷/۳ درصد به ۶۱/۳ درصد افزایش یافته است. (۵:۵). به این ترتیب بیش از ۹۰ درصد اعتبارات عمرانی برنامه پنجم به دو بخش صنعت و خدمات اختصاص یافته بود. این ارقام بازگویی آن است که جهت سرمایه گذاری ها، به سوی توسعه دو بخش صنعت و خدمات در مراکز شهری - صنعتی کانالیزه شده بود. شکی نیست که وجود این فرصت های شغلی از عوامل مهم مهاجرت

در تهران ساکن بودند. (۱۵۸:۳). شکی نیست که این توزیع نابرابر امکانات از دلایل مهم مهاجرت از شهرها و روستاهای مختلف کشور به تهران است. بنا به سرشماری سال ۱۳۵۵ حدود ۷۶/۸ درصد ساختمان های مسکونی موجود در مناطق روستائی کشور از خشت و گل ساخته شده بود. ۳/۵ درصد خانه های مسکونی نقاط روستائی نیز چادری و حصیری بود. حال آن که در نقاط شهری حداقل ۶۵ درصد خانه ها با استفاده از آجر ساخته شده بود (۴: ۱۵۷).

در زمینه خدمات آموزشی نیز شکاف زیادی میان نقاط شهری و روستائی وجود دارد. با توجه به آمار سال ۱۳۵۵ نرخ پاسوآدان نقاط شهری بیش از ۲ برابر نقاط روستائی است.

در مورد مسئله کمبود خدمات و تسهیلات رفاهی در مناطق روستائی توجه به یک نکته مهم ضروری است: از دیدگاه آقشار کم درآمد و تهیدست روستائی، مسئله خدمات مسئله اصلی و عمده نیست. این مسئله در مقابل دشواری های ناشی از کمبود درآمد در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد. در حالی که برای آقشار متوسط و مرفه روستائی مسئله کمبود خدمات عمده است. وانگهی اکثر مهاجران تهیدست روستائی در شهرها نیز در محله های فقیرنشین حاشیه شهرها ساکن می یابند که از لحاظ فراهم بودن امکانات رفاهی تفاوت زیادی با روستاها ندارد (۷).

روستاها ندارد (۷).

سوم، فرصت اشتغال: فرصت اشتغال به مفهوم ایجاد مشاغل جدید در سه بخش اقتصادی و نیز وجود امکان انتخاب و دستیابی به شغل توسط جمعیت فعال است.

تفاوت سرمایه گذاری در سطح بخش های اقتصادی موجب بروز اختلافاتی میان این بخش ها از لحاظ وجود فرصت های شغلی می شود. از آنجا که دو بخش صنعت و خدمات عمدتاً پایگاه شهری داشته و بخش کشاورزی عموماً در مناطق روستائی



در جدول شماره ۹ و ۱۰ تعداد تراکتورها در هر ۱۰۰۰ هکتار و نیز میزان مصرف کود شیمیائی در هر هکتار در گروه کشورهای مورد مقایسه بازگو شده است. همان طور که در جدول می توان دید همزمان با کاهش نیروی کار بخش کشاورزی در کشورهای پیشرفته، بکارگیری ماشین آلات کشاورزی افزایش می یابد. به عنوان مثال در این کشورها در حالی که در سال ۱۹۷۴ در هر هزار هکتار حدود ۳۳ تراکتور موجود بوده است، در سال ۱۹۸۰ تعداد تراکتور موجود در هر ۱۰۰۰ هکتار به ۳۷ دستگاه (۲ تراکتور بیشتر) افزایش یافته است. اما در کشورهای در حال توسعه در همین فاصله تعداد تراکتور در هر ۱۰۰۰ هکتار از ۲/۵ به ۴ تراکتور (۱/۵ تراکتور بیشتر) رسیده است در زمینه مصرف کود شیمیائی نیز همین شکاف میان میزان کود مصرفی در واحد سطح در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به چشم می خورد.

در زمینه مقایسه تطبیقی میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در حال توسعه نکته بسیار اساسی مسئله کاهش سرانه اراضی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه است.

در جدول شماره ۱۱ توزیع سرانه اراضی کشاورزی به نیروی کار میان گروه کشورهای مورد مقایسه بازگو شده است. بنا به جدول، سرانه اراضی کشاورزی در سال ۱۹۷۴ در کشورهای پیشرفته سرمایه داری معادل ۱۱ هکتار بود که در سال ۱۹۸۰ به ۱۳/۳ هکتار (۲/۴ هکتار بیشتر) افزایش یافته است.

به عبارت دیگر طی ۱۰ سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ سالانه ۳/۱ درصد به سرانه اراضی کشاورزی در این کشورها افزوده شده است. در مقابل در کشورهای در حال توسعه روند فوق معکوس بوده است. یعنی در حالی که سرانه اراضی کشاورزی در این کشورها در سال ۱۹۷۴ حدود ۱/۰۴ هکتار بود، در سال ۱۹۸۰ به ۱/۰۳ هکتار (۰/۰۱ هکتار کمتر) کاهش یافته است. به عبارت دیگر در فاصله ۱۰ ساله ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ میزان سرانه اراضی کشاورزی در این کشورها به طور متوسط سالانه حدود ۰/۳ درصد کاهش داشته است. این وضع بازگویی آن است که بخش کشاورزی این کشورها،

با اندازه کافی، جمعیت افزوده شده به نیروی کار را، رهانمی کند. مفهوم واقعی این عبارت آن است که هنوز شدت و نرخ مهاجرت روستائی در این کشورها (جهان سوم) کم تر از آن چیزی است که باید باشد. این وضعیت از سونتی بازگویی سنتی بودن ساخت بهره برداری، یعنی اتکای آن به عامل نیروی کار، و از سوی دیگر بازگویی عقب ماندگی ساختار صنعتی این کشورها و قابلیت ناچیز جذب نیروی

● در کشورهای در حال توسعه، به دلیل ساختار اقتصادی، پدیده نیروی مازاد بخش کشاورزی به یک مساله حاد اجتماعی تبدیل شده است.

● در نتیجه بهبود وضع اقتصادی و گسترش مراکز شهری - صنعتی و راه یابی هر چه وسیعتر ابزار ماشینی به روستاها و تحول نظام بهره برداری ارضی، نیروی مازاد نسبی موجود در بخش کشاورزی با شدت بیشتری به شهرها گسیل خواهد شد.

کار در بخش های صنعت و خدمات است. باتوجه به موارد طرح شده می توان نتیجه گرفت که در کشورهای پیشرفته صنعتی مسئله نیروی مازاد بخش کشاورزی وجود ندارد اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختار اقتصادی ویژه، این پدیده به یک مسئله حاد اقتصادی و اجتماعی بدل شده است. شکی نیست که راه برون رفت از دشواری های اقتصادی و اجتماعی ناشی از این پدیده رشد متوازن بخش های اقتصادی، افزایش قابلیت جذب نیروی کار در بخش

های اقتصادی نوین (صنعت و خدمات) و گسترش شهرها و افزایش نسبت شهرنشینی و سرانجام مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و تحول ساخت بهره برداری اراضی در این کشورهاست. حل دشواری های اقتصادی و اجتماعی ناشی از وجود نیروی مازاد بخش کشاورزی فقط در طولانی مدت ممکن است، به همین لحاظ شکی نیست که کشورهای در حال رشد حتی در صورت اتخاذ تدابیر درست و مناسب در جهت کاهش مازاد نیروی کار در بخش کشاورزی، تامدتی با مسائل ناشی از وجود این مازاد دست به گریبان خواهند بود.

۱-۱. نیروی مازاد بخش کشاورزی در ایران. مسئله وجود نیروی مازاد بخش کشاورزی از علل مهم بالا بودن نرخ مهاجرت روستائی در کشور است. وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی ایران از سه طریق زیر قابل اثبات است:

۱- مقایسه نسبت نیروی کار در هر یک از بخش های اقتصادی با سهم بخش ها در تولید ناخالص داخلی. معمولاً در زمینه کمیت نیروی کار در سطح بخش های اقتصادی یا مناطق مطرح می شود. مفهوم جمعیت مازاد عبارت از این است که از لحاظ اقتصادی، نسبتی منطقی میان ارزش تولید یک بخش اقتصادی یا یک منطقه با میزان جمعیت فعال در آن بخش یا منطقه وجود ندارد. حال اگر این نسبت میان بخش ها یا در سطح مناطق مقایسه شود، حاصل این مقایسه بازگویی وجود یا عدم وجود جمعیت مازاد نسبی در سطح بخش یا منطقه است. به عبارت دیگر، پدیده جمعیت مازاد نسبی، مربوط به شرایطی است که بنا به آن، میان سرانه تولید نیروی کار (بازدهی نیروی کار) در سطح بخش های اقتصادی یا نقاط شهری و روستائی، تفاوت فاحش وجود داشته باشد.

وجود جمعیت مازاد نسبی در یک بخش یا منطقه شرط لازم تحرک شغلی (نقل و انتقالات نیروی کار میان بخش ها) یا تحرک مکانی (مهاجرت) جمعیت به شمار می آید. منتها شرط کافی این تحرک، از سونتی وجود فرصت شغلی جدید، یا وجود منطقهئی است که با کمبود نیروی

شرح	سال میلادی							درصد تغییر سالانه ۱۹۷۱-۸۰
	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	
کشورهای پیشرفته سرمایه داری	۱۰۰/۱	۱۰۷/۸	۱۱۵/۷	۱۱۶/۶	۱۲۲/۹	۱۲۶/۵	۱۲۳/۴	۲/۶
کشورهای سوسیالیستی (اروپای شرقی و شوروی)	۸۷/۷	۱۰۰/۱	۱۰۰/۷	۱۰۶/۹	۱۰۵/۲	۱۰۱/۵	۱۰۵/۰	۴/۷
کشورهای در حال توسعه	۲۴/۹	۲۶/۹	۳۰/۷	۳۶/۶	۴۰/۴	۴۴/۱	۴۹/۱	۱۰/۸
کشورهای کم توسعه یافته	۴/۰	۵/۵	۵/۹	۶/۵	۶/۷	۷/۴	۸/۵	۱۰/۸
کشور ایران	۲۱/۰	۲۱/۱	۲۴/۱	۲۴/۴	۱۸/۰	۲۷/۴	۳۵/۹	۱۰/۰

1) F.A.O. Economic and Social development paper "Socio-economic indicators relating to the Agri cultural Sector and rural development" No. 40. Rome 1984. P. 37-39.

کشاورزی در کشورهای جهان بازگو شده است؛ جدول شماره ۷ نشان می دهد که سهم شاغلان بخش کشاورزی در کشورهای جهان از سال های ۱۹۷۴ به بعد با چه آهنگی کاهش یافته است.

همان طور که در جدول شماره ۷ دیده می شود در فاصله ۱۰ ساله میان ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ میزان کاهش نسبت اشتغال در بخش کشاورزی به کل بخش ها، در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ۴ درصد بوده است حال آن که در کشورهای در حال توسعه این نسبت فقط ۱/۱ درصد بود. این وضع بازگویی آن است که نسبت اشتغال در بخش کشاورزی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم بسیار اندک است و هم با آهنگ سریعی به نفع افزایش سهم اشتغال در بخش صنعت و خدمات کاهش می یابد و این در حالی است که به خاطر گسترش صنعت در بخش کشاورزی، حجم تولید کشاورزی به رغم کاهش نیروی کار هم از لحاظ بازدهی در واحد سطح و هم از لحاظ بازدهی نیروی کار، به طور پیوسته و چشمگیری در این قبیل کشورها افزایش یافته است. بازدهی نیروی کار در بخش کشاورزی در سال ۱۹۶۰ در کشورهای پیشرفته چهار برابر بازدهی نیروی کار در کشورهای در حال توسعه بود، در سال ۱۹۸۰ این بازدهی به پنج برابر افزایش پیدا کرد. اما در مقابل، در کشورهای در حال رشد سهم اشتغال بخش کشاورزی در مجموع شاغلان، هم بسیار بالاست و هم بسیار اندک کاهش می یابد. حال آنکه افزایش بازدهی به حسب نیروی کار و واحد سطح در این کشورها با افزایش جمعیت و نسبت کاهش مشاغل همخوانی ندارد.

در جدول شماره ۸ تولید سرانه کشاورزی در کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم مقایسه شده است. بنا به این جدول، در حالی که در کشورهای پیشرفته در فاصله ۲۰ ساله ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ بازدهی سرانه نیروی کار بخش کشاورزی از ۴۱ تن به ۱۱۶ تن (معادل گندم) افزایش یافته است، در کشورهای در حال توسعه از حدود ۱۰ تن به حدود ۲۴ تن و در کشورهای توسعه نیافته از ۵ تن افزایش یافته است.

همان طور که گفته شد چند برابر شدن بازدهی نیروی کار در کشورهای پیشرفته در شرایطی صورت گرفته است که هم قدر مطلق نسبی نیروی کار بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش ها کم تر است و هم شدت انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش های دیگر بسیار زیاد است.

۲- مقایسه کاردهی سرانه بخش ها.

۳- وجود بیکاری پنهان و آشکار در روستا و بخش کشاورزی.

در واحد سطح است، در مراحل مقدماتی بحران هائی از لحاظ ظهور پدیده جمعیت مازاد نسبی، افزایش طول مدت بیکاری و بالا رفتن نرخ مهاجرت در روستاها می شود.

مسئله دیگر که موجد بروز و تشدید پدیده جمعیت مازاد نسبی در مراحل اولیه رشد صنعت در کشورهای جهان سوم می شود و یکی دیگر از موارد تفاوت های ساختی میان چگونگی رشد صنعت در غرب و کشورهای جهان سوم است، مسئله تفاوت میان نرخ رشد جمعیت در این دو گروه از کشورهاست. در کشورهای غربی، در مراحل اولیه رشد صنعتی نرخ افزایش جمعیت فقط حدود یک درصد بود. در حالی که در کشورهای جهان سوم در آغاز دوران صنعتی شدن نرخ رشد جمعیت حدود ۲ تا ۴ درصد است. (۸)

در کشورهای صنعتی سهم بخش کشاورزی از کل نیروی کار به مرور کاهش یافته است. در این کشورها، در حالی که در سال ۱۹۷۴ حدود ۱۱ درصد شاغلان در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشتند، نسبت اشتغال در بخش کشاورزی در سال ۱۹۸۱ به ۸ درصد کاهش یافته است. در مقابل در کشورهای در حال توسعه غالباً بیش از ۶۰ درصد شاغلان در بخش کشاورزی به کار اشتغال دارند و کاهش سهم نیروی کار در بخش کشاورزی به کل شاغلان، در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی بسیار بطئی تر است.

این وضع بازگویی آن است که در کشورهای پیشرفته تر تعداد مشاغل جدید در بخش های صنعتی و خدمات پیوسته و با آهنگی درخور نرخ رشد جمعیت افزوده می شود حال آن که افزایش مشاغل جدید بخش کشاورزی در کشورهای جهان سوم با توجه به تکنولوژی مورد استفاده در بخش صنعت بسیار بطئی بوده و در مقایسه با نرخ رشد جمعیت و شدت رها شوندگی جمعیت از روستا و بخش کشاورزی، بسیار ناچیز است.

در جدول شماره ۷ نسبت اشتغال در بخش

کار مواجه بوده و قابلیت جذب نیروی کار مهاجر را داشته باشد و از سوی دیگر مستلزم آگاهی فرد مهاجر در مورد وجود این مکان است. وضعیت وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی، یک پدیده عمومی و مشترک در اکثر کشورهای جهان سوم به شمار می آید. سابقه تاریخی آن در غالب این کشورها مربوط به چگونگی نفع سرمایه داری و نوسازی ساختار اقتصادی این کشورها است. بخش صنعت در اکثر این کشورها در شرایط بعد از جنگ جهانی دوم پایه گذاری شده است. شکل انکشاف صنعتی در این کشورها با مراحل آغازین رشد سرمایه داری و انقلاب صنعتی در اروپا ماهیتاً متفاوت است. در آغاز صنعتی شدن کشورهای غربی، صنایع در شرایطی توسعه یافت که با توجه به تکنولوژی ساده، عمدتاً کاربر بود. سپس این کشورها به تدریج همراه با تحول تکنولوژیکی و افزایش میزان اتوماسیون، به تعادل های جمعیتی میان بخش های اقتصادی و مناطق نیز دست یافتند. حال آن که در کشورهای جهان سوم با ساخت اقتصادی سنتی عموماً متکی به کشاورزی، نفع صنایع در شرایط اتکاء به تکنولوژی صنعتی وارداتی صورت گرفته است. این تکنولوژی وارداتی، از لحاظ ترکیب کار و سرمایه مناسب کشورهای صنعتی صادر کننده بود و با شرایط خاص کشورهای جهان سومی وارد کننده مطابقت چندانی نداشت.

انکشاف صنعتی این کشورها از طریق وارد کردن تکنولوژی پیشرفته موجب تحول و گسترش سریع شهر و شهر نشینی و افزایش جاذبه های شهری و به اعتباری رشد انفجاری فعالیت های بخش خدمات شد.

ویژگی اصلی تکنولوژی جدید و سرمایه بر، جذب بخش عمده منابع مالی و سرمایه نئی در مقابل نیاز به حداقل ممکن نیروی کار است. وانگهی اقدام ساخت اقتصادی این کشورها به ویژه در یک قرن اخیر در بازار جهانی سرمایه داری موجب کارگیری ابزار و ادوات صنعتی پیشرفته در بخش های سنتی اقتصاد شد. به طور مثال رواج استفاده از انواع ماشین آلات کشاورزی از قبیل تراکتور، تیلر، کمباین و غیره خود موجب آزاد کردن نیروی اضافی بخش کشاورزی سنتی می شود. شکی نیست که رواج صنعت در بخش کشاورزی موجب تحول بهره دوری نیروی کار، افزایش سطح زیر کشت و افزایش تولید و در نتیجه رونق بیشتر بخش کشاورزی می شود. اما طبیعی است که رواج صنعت در کشاورزی با توجه به تکنولوژی ساده تولید کشاورزی در بخش سنتی اقتصاد در این کشورها، که مستلزم به کارگیری نیروی کار زیاد

جدول شماره ۹- متوسط تعداد تراکتور در هر ۱۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی در گروه کشورهای پیشرفته، سوسیالیستی، در حال توسعه، کم توسعه یافته و کشور ایران. (۱)

شرح	سال میلادی							درصد تغییر سالانه ۱۹۷۱-۸۰
	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	
کشورهای پیشرفته سرمایه داری	۳۲/۹	۳۳/۸	۳۴/۴	۳۵/۳	۳۵/۷	۳۶/۱	۳۶/۷	۱/۹۸
کشورهای سوسیالیستی (اروپای شرقی و شوروی)	۱۱/۳	۱۱/۸	۱۲/۱	۱۲/۵	۱۲/۹	۱۳/۲	۱۳/۴	۲/۲۸
کشورهای در حال توسعه	۲/۵	۲/۷	۲/۹	۳/۲	۳/۴	۳/۷	۴/۰	۸/۳۵
کشورهای کم توسعه یافته	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۵۷	۰/۵۹	۰/۶	۲/۸۲
کشور ایران	۲/۱	۲/۵	۲/۸	۳/۱	۳/۴	۳/۶	۳/۶	۱۲/۷۸

1) F.A.O. Economic and Social development paper "Socio-economic indicators relating to the Agri cultural Sector and rural development" No. 40. Rome 1974. P.32-34.

۱- سهم نیروی کار: در جدول شماره ۱۲ متوسط نسبت نیروی کار و تولید در بخش های اقتصادی در دوره های زمانی مختلف از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۱ بازگو شده است. همان طور که در جدول دیده می شود در دوره ۴ ساله ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ نسبت نیروی کار در بخش کشاورزی ۵۲ درصد نیروی کار و نسبت تولید آن ۳۷ درصد کل تولید ناخالص داخلی بود. روند تغییر این نسبت ها، تا سال ۱۳۵۷ کاهش نشان می دهد. در سال ۱۳۵۷ بخش کشاورزی در حالی که ۳۶ درصد نیروی کار کشور را دربر می گرفت فقط ۱۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) را شامل می شد. حال آن که بخش خدمات با ۳۱ درصد نیروی کار ۶۳ درصد تولید ناخالص داخلی و بخش صنعت با ۳۳ درصد نیروی کار ۲۳ درصد تولید کشور را به عهده داشتند. بعد از انقلاب نیز در روند نسبت بخش ها از نیروی کار و تولید تغییر چشمگیری حاصل نشده است اما سهم تولید کشاورزی از مجموع تولید ناخالص داخلی، از ۱۴ درصد به ۱۶ درصد رسیده است.

۲- کاردهی سرانه: جدول شماره ۱۳ بازگویی کاردهی سرانه در بخش های سه گانه اقتصادی است. بنا به این جدول، در حالی که کاردهی سرانه بخش صنعت و کشاورزی در دوره ۲۸ تا ۴۲ یکسان بوده است، در سال های بعد فاصله میان کاردهی سرانه در دو بخش فوق به نفع صنعت افزایش می یابد. در دوره زمانی ۵۳ تا ۵۷، یعنی از زمان افزایش قیمت نفت، کاردهی سرانه بخش کشاورزی به ۱۰۳ هزار ریال و در مقابل کاردهی بخش صنعت به ۱۸۰ هزار ریال و بخش خدمات به ۵۲۲ هزار ریال می رسد. به عبارت دیگر طی دوره مذکور (از ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷) کاردهی سرانه بخش کشاورزی به ۲ برابر، بخش صنعت (بدون نفت) به ۴ برابر و بخش خدمات به حدود ۴ برابر افزایش می یابد.

در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ کاردهی سرانه در بخش کشاورزی به ۱۲۸، در بخش صنعت و معدن به ۱۸۷ و در بخش خدمات به ۵۱۰ رسید.

جدول فوق بازگویی آن است که بخش مهمی از شاغلان کشور یعنی شاغلان کشاورزی، سهم بسیار اندکی در تولید ناخالص داخلی دارند. به سخن دیگر، تولید سرانه نیروی کار در بخش کشاورزی، در مقایسه با سایر بخش ها در سطح پائین تری قرار دارد. این وضع به معنی وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی، سنتی بودن ساخت نظام بهره برداری ارضی و استفاده غیر اقتصادی از نیروی کار در این بخش و نیز تشدید نیروی کار در واحد سطح و در چارچوب نظام های بهره برداری رایج است. شکی نیست که در نتیجه بهبود وضع اقتصادی و گسترش مراکز شهری - صنعتی و نیز در نتیجه راه یابی هرچه وسیع تر ابزار و آلات ماشینی به روستاها و تحول نظام های بهره برداری ارضی، نیروی مازاد نسبی موجود در بخش کشاورزی و روستاها با شدت بیشتری به شهرها کسب خواهند شد.

۳- بیکاری در بخش کشاورزی: از دیگر مواردی که براساس آن می توان به وجود نیروی مازاد نسبی در بخش کشاورزی ایران پی برد، مسئله بالا بودن نرخ بیکاری ام از فصلی، پنهان و آشکار

در روستاها و بخش کشاورزی است. بنا به سرشماری سال ۱۳۵۵ قدر مطلق بیکاران فصلی در مناطق روستائی در این سال حدود ۶۲۰ هزار نفر اعلام شده است. این تعداد حدود ۱۱ درصد کل نیروی فعال روستائی کشور است.

اساساً ماهیت تولید کشاورزی و وابستگی آن به شرایط اقلیمی و نیز عواملی از قبیل: - محدودیت فعالیت های زراعی طی سال.

- بالا بودن نسبت زمین های زیر کشت دیم و در نتیجه حذف مرحله داشت با توجه به تکنولوژی کشت دیم.

- ضعف بخش صنعت و خدمات در مناطق روستائی به ویژه ضعف صنایع وابسته به کشاورزی.

موجب می شود که نیروی کار بخش کشاورزی در ماه های از سال که فعالیت های زراعی به حداقل می رسد به طور موقت دچار بیکاری شوند. این جمعیت بیکار فصلی بخشی از نیروی مازاد نسبی بخش کشاورزی محسوب می شود.

بنا به تحقیقات انجام شده خالص سرانه روز کار نیروی کار بخش کشاورزی طی سال ۱۳۳۴ روز است. به عبارت دیگر ۲/۵ میلیون نفر شاغلان مرد بخش زراعت (شامل بهره برداران عامل و کارکنان خانوادگی و کارگران کشاورزی مزدبگیر) در طول یک سال ۲۳۱ روز (حدود ۷ ماه) کم و بیش بیکارند (سرشماری ۱۳۵۵: ۹۸). از سوی دیگر فصول بیکاری عام فقط شامل چهارماه آذر و دی و بهمن و اسفند است و در سایر ماه های سال کشاورزان ناگزیرند که در روستا باقی مانده و به طور غیر پیوسته به امور کشاورزی بپردازند. میزان و نسبت مشغولیت و تراکم کار طی این ماهها به حسب نوع محصولات متفاوت است. ۸ ماهه فروردین تا آبان اساساً جزو فصول زراعی محسوب می شود منتها اشتغال کشاورزان به کار طی مدت مذکور، بنا به اهمیت کار کشاورزی مداوم و پیوسته نیست. این وضع نشان دهنده وجود بیکاری

پنهان در طول ماه های زراعی در مناطق روستائی کشور است. به طول مثال در مورد گندم و جو آبی و دیم که حدود ۷۰ درصد کل اراضی زیر کشت کشور است (آمار جهاد سازندگی: ۲ و ۱۶) کل عملیات زراعی از مرحله کاشت تا برداشت طی ۹ ماه (عوما مهر تا تیر) انجام می شود. بخش عمده عملیات در مورد گندم و جو آبی در ماه مهر (برای کاشت) معادل ۲۰ روز کار در هر هکتار و در ماه خرداد (برای برداشت) معادل ۱۹ روز کار برای هر هکتار (در صورت برداشت دستی) متمرکز است. در سایر ماه ها (۷ ماه باقی مانده) عملیات زراعی (داشت) عمدتاً فقط شامل آبیاری است که فقط در ماه های آبان و دی و فروردین و اردیبهشت هر کدام ۲ روز کار (و جمعا ۸ روز کار برای هر هکتار متمرکز است. ماه های تیر و مرداد و شهریور (و نیز آذر و بهمن و اسفند) فصول بیکاری گندم کاران و جو کاران به شمار می آید.

بیشترین روز کار مربوط به محصولات صنعتی از قبیل پنبه و چغندر قند و توتون و تنباکو و دانه های روغنی است. سبزیجات و صیفی جات نیز از روز کارهای نسبتاً بالائی برخوردارند. به این اعتبار، تحول ترکیب کشت در سطح کل کشور در جهت افزایش سطح زیر کشت محصولات صنعتی می تواند در کاهش میزان بیکاری پنهان نیروی کار بخش کشاورزی بسیار مؤثر باشد.

مقایسه سرانه روز کار نیروی کار بخش کشاورزی طی سال با نیروی کار بخش صنعت بازگویی وجود تفاوت فاحش میان تعداد روز کارهای مفید نیروی کار در این دو بخش است. اگر جمع روزهای تعطیل سالانه کارگران بخش صنعت قریب ۱۴۴ روز در سال محاسب شود. (۹) روز کار مفید یک کارگر صنعتی طی سال ۲۲۱ روز خواهد بود. مقایسه این رقم با روز کار مفید کشاورزان طی سال (۱۳۴) روز) بازگویی ۸۶ روز بیکاری غیر ضروری نیروی کار در بخش کشاورزی در برابر نیروی کار در بخش صنعت است. این تعداد

جدول شماره ۱۱- سرانه اراضی کشاورزی فرد شاغل در بخش کشاورزی. (۱)

شرح	سال میلادی							
	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	درصد تغییر سالانه ۱۹۷۱-۸۰
کشورهای پیشرفته سرمایه داری	۱۰/۸	۱۱/۲	۱۱/۵	۱۱/۹	۱۲/۴	۱۲/۸	۱۳/۴	۳/۱
کشورهای سوسیالیستی (اروپای شرقی و شوروی)	۶/۳	۶/۳	۶/۵	۶/۶	۶/۸	۶/۸	۷/۲	۲/۲
کشورهای در حال توسعه	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۴	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۳	-۰/۳
کشورهای کم توسعه یافته	۱/۰۸	۱/۰۶	۱/۰۶	۱/۰۴	۱/۰۳	۱/۰۲	۱/۰۰	-۱/۰
کشور ایران	۲/۰۶	۲/۰۵	۲/۰۳	۲/۰۰	۲/۰۷	۲/۰۹	۳/۹۱	-۰/۶

1) F.A.O. Economic and Social development paper "Socio-economic indicators relating to the Agri cultural Sector and rural development" No. 40. Rome 1984. P.14-16.

جدول شماره ۱۲- نسبت شاغلان و نسبت تولید در بخش های سه گانه اقتصادی در ایران طی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۱ (درصد)

شرح	سال خورشیدی									
	۱۳۳۸-۳۷		۱۳۴۲-۴۱		۱۳۴۸-۴۷		۱۳۵۴-۵۳		۱۳۵۸-۵۷	
	تولید	نیروی کار	تولید	نیروی کار	تولید	نیروی کار	تولید	نیروی کار	تولید	نیروی کار
کشاورزی	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
صنایع و معدن	۱۵	۲۶	۱۹	۲۶	۲۷	۲۷	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
خدمات	۲۸	۲۷	۵۱	۲۷	۲۶	۲۶	۵۵	۳۱	۶۳	۳۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ از «حساب های ملی ایران» بانک مرکزی ایران- ۱۳۶۰
دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ از گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱- بانک مرکزی ایران

جدول شماره ۱۲ - کاردهی سرانه بخش های سه گانه اقتصادی طی سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲ (با قیمت ثابت سال ۱۳۵۳) در ایران (۱)

(واحد: هزار ریال)

شرح	سال خورشیدی				
	۱۳۳۸-۳۹	۱۳۴۲-۴۳	۱۳۴۸-۴۹	۱۳۴۲-۴۳	۱۳۳۸-۳۹
کشاورزی	۱۲۸	۱۰۳	۷۲	۶۰	۵۱
صنایع و معادن	۱۸۷	۱۸۰	۱۲۲	۶۷	۴۷
خدمات	۵۱۰	۵۲۲	۴۰۳	۱۸۹	۱۳۹
تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)	۲۷۷	۱۵۸	۱۴۷	۹۶	۷۲

(۱) - دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ از حساب های ملی ایران - بانک مرکزی ایران - ۱۳۶۰

دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ محاسبه شده از گزارشات «اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱» - بانک مرکزی ایران.

مستله تفاوت میان دستمزد مورد انتظار نیروی کار موجود در روستاها در صورت کار در بخش های مختلف اقتصاد شهری، در مقایسه با درآمد واقعی حاصل از کار در روستا و در بخش کشاورزی.

به عبارت دیگر، نقش اصلی این گونه عوامل تشدید مهاجرت های روستائی و چهره ناگزیر و غیر قابل اجتناب بخشیدن به آن است. به این اعتبار، با توجه به پیگیری فصلی و بیکاری پنهان و طبیعتا بیکاری آشکار در سطح روستاها و در بخش کشاورزی، پائین بودن درآمد در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش ها و نازل بودن کاردهی نیروی کار بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش های اقتصادی، ادامه روند مهاجرت از روستا به شهر امری ضروری، اجتناب ناپذیر و لازم می نماید.

همان طور که گفته شد از طریق فراهم ساختن شرایط تحول ترکیب کشت به نفع افزایش سطح زیر کشت محصولات صنعتی و تجاری که موجب افزایش روزگار نیروی کار بخش کشاورزی می شود، می توان از شدت فشار جمعیتی روستا برای دفع نیروی مازاد بخش کشاورزی کاسته و در نتیجه به طور موقت شدت هجوم این نیروی مازاد را از بخش کشاورزی و روستا به بخش های دیگر و به شهرها، تا تدوین برنامه های گسترده صنعتی و معدنی برای افزایش قابلیت جذب بخش صنعت کاهش داد. اما شکی نیست که تحول ساختار اقتصادی کشور، افزایش بازدهی نیروی کار در بخش کشاورزی و ایجاد تعادل نسبی میان بازدهی بخش های اقتصادی، مستلزم تخلیه نیروی مازاد بخش کشاورزی از روستاها و جذب آن در سایر بخش های اقتصادی کشور است.

گروهی برآنند که راه حل این مشکل انکشاف و توسعه بخش صنعت در روستاها و تسریع انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت در

● تحول ساختار اقتصادی کشور، افزایش بازدهی نیروی کار کشاورزی و ایجاد تعادل نسبی میان بازدهی بخش های اقتصادی، مستلزم تخلیه نیروی مازاد بخش کشاورزی از روستاها و جذب این نیرو در سایر بخشها است.

$$\begin{array}{r}
 ۱۵۲۰۰۰۰ \\
 \text{نفر کارگر مورد نیاز بخش} \\
 \text{زراعت در سطح} \\
 \text{عملیات زراعی موجود کشور} \\
 \hline
 ۲۲۰ \\
 \text{روزگار ضرور نیروی کار} \\
 \text{کشاورزی (برابر کار یک} \\
 \text{کارگر صنعتی)} \\
 \hline
 ۳۳۴۰۰۰۰۰ \\
 \text{جمع روز کار مورد نیاز} \\
 \text{کل عملیات زراعی} \\
 \text{کشور}
 \end{array}$$

روزهای بیکاری اگر با ۱۲۰ روز بیکاری کلی و عام که طی آن فعالیت های زراعی به حداقل می رسد و نیز حداقل حدود ۷ روز در سال که بنا به اعیاد یا عزاداری ها کار کشاورزی در روستاها به طور عرفی تعطیل است، جمع شود کل روزهای بیکاری نیروی کار بخش کشاورزی به ۲۱۳ روز بالغ می شود. از سوی دیگر، اگر بنا به روز کار مفید سالانه کارگران بخش صنعت روز کار ضرور و قابل انجام و از لحاظ اقتصادی به صرفه نیروی کار بخش کشاورزی، حداقل معادل ۲۲۰ روز در سال در نظر گرفته شود، با توجه به جمع روز کار مورد نیاز عملیات زراعی در سطح موجود (جمعا ۳۳۴ میلیون روز کار) تعداد کارگران مورد نیاز بخش زراعت در سطح عملیات زراعی موجود معادل ۱/۵ میلیون نفر برآورد می شود.

حاصل تفاضل رقم ۱/۵ میلیون نفر نیروی کار مورد نیاز بخش زراعت با ۲/۵ میلیون نفر نیروی کار شاغل موجود در این بخش، بازگویی رقمی در حدود یک میلیون نفر نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی است. این تعداد ۴۰ درصد کل نیروی کار بخش کشاورزی کشور است. وجود این نسبت نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی از یک سو ناشی از سنتی بودن تکنولوژی تولید (کاربر بودن تکنولوژی) و از سوی دیگر بازگویی کم صرفه بودن بازدهی نیروی کار به ویژه در واحدهای بهره برداری خانوادگی، با توجه به هزینه دستمزد انتظاری نیروی کار در بخش کشاورزی است. محتمل است که عواملی از قبیل عوامل زیر نیروی مازاد بخش کشاورزی را از روستاها آزاد ساخته به سوی شهرها گسیل کند:

- گسترش ارتباطات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا.
- رواج استفاده از ماشین آلات کشاورزی.
- نضج مناسبات پولی و انگیزه های تجاری در قلمرو نظام های بهره برداری ارضی سنتی و خانوادگی.
- آگاهی روستائیان به شکاف درآمدی موجود میان شهر و روستا.

● گسترش شهرها و صرف سرمایه های عمرانی در نقاط شهری، شکاف های میان شهر و روستا را از لحاظ وجود امکانات و تسهیلات خدماتی و زیربنایی به شدت عمیق کرده است.

جدول شماره ۱۲ - روز کار لازم برای عملیات زراعی طی یکسال برحسب انواع محصول در ایران

شرح	ماه های سال											
	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
گندم	۲	۲	۱۹	-	-	-	۲۰	۲	-	۲	-	-
	۲	۲	-	-	-	-	-	۱۱	-	-	-	-
جو	۲	۲	۱۹	-	-	-	۲۰	۲	-	۲	-	-
	۲	۲	-	-	-	-	-	۱۱	-	-	-	-
برنج	۲	۵۲	۶	۸	۱	۲۱	-	-	-	-	-	-
چغندر قند	-	۲۹	۱۵	۱۵	۱۵	۴	-	۲۰	-	-	-	-
پنبه	-	۲۸	۱۵	۱۵	۱۵	۳۵	۳۱	۳۱	-	-	-	-
سیب زمینی	-	۲۹	۱۷	۱۷	۱۵	-	-	۲۰	-	-	-	-
ذرت	-	۲۸	۱۵	۱۵	۱۵	۴	۹۰	-	-	-	-	-
توتون	۲	۴۰	۴	۴	۴	۲۸	۲۲	-	-	-	-	-
سایر محصولات زراعی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

مأخذ: ساعدلو، هوشنگ - بحث پیرامون کار کشاورزی و طریقه محاسبه کار در کشاورزی ایران - سازمان برنامه و بودجه ملل متحد - تیرماه ۱۳۶۵

مآخذشناسی مهاجرت در ایران

از: مقتدالاتام روانبخش

مهاجرت فصلی روستائیان و تاثیر آن بر تولید
زراعی در منطقه دشت اصفهان

طاهر رستمی، مینو الوندی - وزارت کشاورزی و
عمران روستایی - مهر ماه ۱۳۵۹ - تعداد صفحات ۴۶.

گزارش حاضر، نتیجه مطالعه‌ای است که در فاصله
زمانی مهر تا اسفند ماه ۱۳۵۷ در استان اصفهان صورت

گرفته است. هدف از انجام آن، شناخت مسئله مهاجرت فصلی
و گسترش کار مزدوری روستائیان دشت اصفهان و تأثیر آن
بر زندگی خانواده‌های روستایی، روند تولید کشاورزی و
ساخت اجتماعی روستاها است.

مطالعه حاضر در سه مرحله انجام شده است. در مرحله
اول خانواده‌های بهره‌بردار از بقیه ساکنین روستا تفکیک
شده‌اند. در مرحله دوم رابطه خانواده‌های بهره‌بردار با مسئله
فروش نیروی کار مورد بررسی قرار گرفته و براین اساس
خانوارهای بهره‌بردار در دو گروه طبقه بندی شده‌اند و در
مرحله سوم با انتخاب نمونه‌هایی از هر دو گروه، شرایط
اقتصادی و تولیدی جامعه مورد نظر بصورت دقیق تر مورد
مطالعه قرار گرفته و تأثیر مهاجرت بر زندگی خانوار
روستایی، تولید کشاورزی و ساخت اجتماعی بررسی شده
است.

نکته قابل ذکر اینکه، در این تحقیق آنچه که تحت
عنوان مهاجرت فصلی مورد کنکاش قرار گرفته، حرکت
نیروی انسانی از یک شبکه روابط اقتصادی - اجتماعی به
یک شبکه روابط اقتصادی - اجتماعی متفاوت با آن و
پازگشت مجدد این نیرو است. ضمناً این مطالعه مسئله
قشری از روستائیان را مطرح می‌سازد که زندگی
اجتماعیشان ابعاد گوناگون دارد. این روستائیان از نقطه نظر
قشری اجتماعی، یک دسته و گروه جا افتاده نیستند،
همان‌گونه که محدود نیز نشان می‌دهد که چگونه این
خانوارها به انواع و اقسام فعالیت‌ها روی آورده تا زندگی
محقر خود را اداره کنند.

دومین بررسی مهاجرت استان اصفهان

سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان - فروردین ۱۳۶۳
- تعداد صفحات ۲۶

بازدهی نزولی سرمایه در کشاورزی است. ثانیاً
میزان سرمایه گذاری برای افزایش سطح زیر کشت
باتوجه به ضرورت تسطیح، زهکشی اصلاح خاک
و گاه شست و شوی خاک، مستلزم صرف هزینه‌های
گزافی است که با توجه به بازدهی ناچیز سرمایه در
بخش کشاورزی، جاذبه لازم برای جلب سرمایه‌های
بخش خصوصی را نداشته و عموماً هزینه‌های
گزافی است بر عهده دولت. و سرانجام آن که هر نوع
سرمایه گذاری برای افزایش سطح زیر کشت،
مستلزم صرف هزینه‌های گزاف برای تأمین منابع
آب زراعی است که خود از عوامل محدود کننده
انکشاف کشاورزی به شمار می‌آید.

به این ترتیب می‌توان گفت که در شرایط
موجود از دیدگاه خود نیروی مازاد بخش
کشاورزی، و احتمال بنا به ملاحظات اقتصادی از
دیدگاه دولت نیز، مهاجرت بخشی از روستائیان به
شهرها ساده‌ترین، سریع‌ترین، عملی‌ترین و نتیجه
بخش‌ترین راه برای حل مسئله پیچیده و زیان رسان
وجود نیروی مازاد نسبی در بخش کشاورزی است.
در ایران با توجه به درآمد سرشار نفت حل این
مسئله یفرنج و دشوار از هر کشور جهان سومی
دیگری آسان تر است.

محدوده روستاهاست. این نظریه به دلائل زیر
نادرست می‌نماید:

از سببی رشد بخش صنایع فقط در چار چوب
اقتصاد شهری ممکن است چرا که اولاً رشد صنایع
به منظور جذب نیروی کار در بخش صنعت در
مناطق روستایی به علت ماهیت تمرکز طلب صنعت
بسیار دشوار است و ثانیاً اثبات سرمایه در
روستاها به حدی نیست که بتواند منابع لازم برای
سرمایه گذاری در صنایع را تأمین کند زیرا منبع
اولیه و اصلی اثبات سرمایه در روستاها
فعالیت‌های کشاورزی است که خود دچار بیماری
مزمین کمبود سرمایه است. و از سوی دیگر توسعه
صنعت در روستاها از لحاظ اقتصادی مقرون به
صرفه نیست. وانگهی با توجه به شرایط خاص
روستاها و مشکلات اقلیمی و کمیابی عوامل آب و
خاک مستعد کشاورزی، توسعه بخشیدن به منابع
تولید در بخش کشاورزی نیز به سادگی مقدور
نیست. چرا که توسعه عملیات کشاورزی مستلزم
افزایش سرمایه گذاری در واحد سطح، افزایش
سطح زیر کشت و تأمین منابع جدید آب است.
شکی نیست که اولاً حد سرمایه گذاری برای
افزایش تولید در واحد سطح تابع قانون اقتصادی

زیرنویس‌ها:

8'Agricultural 8 Structural transformation.

Bouce F. Johnson 8 Peter Kildg - 1975, P. 78.

۹ - مشتمل بر ۳۰ روز مرخصی استحقاقی، ۵۴
روز تعطیل روزهای جمعه، به طور متوسط ۳۰ روز
تعطیل رسمی مربوط به اعیاد، عزاداری‌ها و
روزهای ملی و جداکثر ۳۰ روز مرخصی
استعلاجی، که جمعاً ۱۴۴ روز می‌شود.
منابع و مآخذ: قسمت ۵

۱- ابوالحسن دانش. مقدمه‌ئی بر تئوری حاشیه
نشینی و مهاجرت‌های بی رویه در کشورهای جهان
سوم: یک مطالعه موردی در ایران. سازمان برنامه و
بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی. دیماه ۱۳۶۲

۲- ضیاء موحدی و کاظم محمد. پژوهش آماری
برای ارائه سیمای مهاجران در تهران و تبریز،
سازمان برنامه و بودجه وزارت کار و امور
اجتماعی، تاریخ انتشار ۱۳۵۶

۳- سازمان برنامه و بودجه، معاونت برنامه
ریزی. شاخص‌های اجتماعی ایران، ۱۳۵۷ - بررسی
مقدماتی. تهران.

۴- سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران.
سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه ۱۳۵۵
کل کشور، نشریه شماره ۱۸۶. تهران. سال انتشار
۱۳۵۹.

۵- کریم درویشی و حسین شاعری. موقعیت و
مسائل بخش کشاورزی و روستاهای کشور. اداره
کل اقتصاد کشاورزی، وزارت کشاورزی. تهران
سال ۱۳۶۲.

۶- سازمان برنامه و بودجه، مهندسین مشاور
ستیران. مطالعه استراتژی دراز مدت طرح
آزمایش سرزمین. گزارش دوازده ماهه - گزارش
نهائی. دوره اول - جلد اول. تهران. سال ۱۳۵۳.

۷- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۱. تهران،
آبان ۱۳۶۲.

۱- مشتمل بر ۵ هزار خانوار نمونه در تهران،
۲۰۰۰ خانوار نمونه در شهر تبریز و ۶۸۵ خانوار
نمونه در روستاهای «سهراب» و «تازه کند». در این
مطالعه وضع مهاجر پذیری و نیز مختصات
مهاجران قبل و بعد از مهاجرت، در شهرهای تهران و
تبریز و دوروستای فوق مورد مطالعه قرار گرفته
است.

۲- برای اطلاع در این زمینه رجوع کنید به:
F.A.O., Migration and rural development
F. A. O. economic and social development
paper, No.3, 1978, Rome

۳- مساله تولید مواد غذایی مورد نیاز نیز در این
جریان نقش مهمی ایفا نمی‌کند. چرا که دولت‌ها به
ناچار با امکاناتی که در اختیار دارند، واردات را
افزایش می‌دهند.

۴- در این زمینه نگاه کنید به:
Schwarz weller Hooy, K - Migration and the
changing rural Scene. Rural Sociology - Vol. 44.
Spring 1979. No. 1 Rural Sociologg Societg.
Texas A8 Muniversity, P 7

۵- با احتساب رشد ۲/۹ درصد جمعیت کل کشور
در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ و معادل گرفتن
آن با نرخ رشد جمعیت روستایی بر پایه رقم جمعیت
روستایی در سال ۱۳۳۵، جمعیت روستایی مورد
انتظار در سال ۱۳۶۰ معادل ۲۶/۷ میلیون
نفر برآورد شد.

۶- رجوع کنید به: نتایج آمارگیری از بودجه
خانوارهای روستایی سال ۱۳۵۵، سازمان برنامه و
بودجه، مرکز آمار ایران، صفحه ۹۳.

۷- البته روشن است که دسترسی بالقوه به برخی
امکانات خدماتی شهری (به ویژه در زمینه درمانی
و آموزشی و غیره) حتی در محله‌های فقیرنشین
شهرها بیش از روستاها است